

فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)

علمی - پژوهشی

سال دهم - شماره چهارم - زمستان ۱۳۹۶ - شماره پیاپی ۳۸

بررسی و تحلیل ژرف‌ساختهای معنایی خبر، شاخصه مهم

سبک‌شناسانه اشعار دوره‌ای خراسانی و عراقی

(ص ۳۴۴-۳۲۷)

محبوبه همتیان^۱

تاریخ دریافت مقاله: زمستان ۱۳۹۵

تاریخ پذیرش قطعی مقاله: بهار ۱۳۹۶

چکیده

از میان شاخه‌های سه‌گانه علوم بلاغی، علم معانی قسمی است که دربارهٔ وجوه معنایی کلام و چرایی ساختارهای گوناگون اقسام جمله بحث میکند. یکی از مباحث اصلی در این علم بررسی لایه‌های عمیق معنایی و مقاصد و اغراض نهفته در جمله‌های خبری و اقسام گزاره‌های انشای طلبی است. این اغراض اغلب انعکاسی از عقاید و ویژگیهای درونی خالق آن سخنان است و از مقاصد او در بیان سخنش حکایت میکند. ضمن آنکه این مقاصد تا حدودی میتواند نشاندندهٔ ویژگیها و شرایط محیطی و اجتماعی هر عصری نیز باشد و شاخصهٔ سبکی هر متن و شاعر یا نویسندهٔ آن بشمار آید.

در این پژوهش ضمن بررسی مقاصد ثانوی جمله‌های خبری در شعر شاعران برجسته در دوره‌ای موسوم به خراسانی و عراقی، میکوشد سیر تحولی این اغراض را با توجه به ویژگیهای هر شاعر و هر دوره و زمانی تحلیل کند و با بررسی اغراض نهفته در کلام شاعران رسالت و هدف هر گوینده‌ای را از بیان سخنش نشان دهد و سیر تحول مضمون و محتوای شعر فارسی را در این دو دوره تبیین کند.

کلمات کلیدی: جمله‌های خبری، مقاصد ثانوی، ویژگی سبک‌شناسانه، دوره خراسانی، دوره عراقی.

مقدمه

براساس تعاریف مذکور در کتابهای بلاغی علم معانی، علم شناخت خواص ترکیبهای کلام است بصورتی که آن را از خطا در تطبیق با اقتضای حال بر حذر دارد (مفتاح العلوم، سکاکی: ص ۱۷۷). یا بطور کلی آن را علمی دانسته‌اند که به وسیله آن احوال لفظ (عربی، فارسی) از نظر مطابقت با اقتضای حال شناخته میشود (تلخیص المفتاح، خطیب قزوینی: ۳۷؛ مطول، تفتازانی: ۱۳۹؛ انوار البلاغه، مازندرانی: ۴۵؛ هنجار گفتار، تقوی: ۲۰؛ معانی و بیان، همایی: ص ۸۷) به نحوی که کلام مطابق با غرضی باشد که انگیزه بیان آن است (در الادب، آق اولی: ۱۵). بلاغیون در تبیین موضوع علم معانی نیز معتقدند در این علم، معانی اول الفاظ و عبارات مدّ نظر نیست بلکه مقصود و موضوع اصلی در این علم همان معنی دومی است که متکلم بلیغ در کلام مطابق با اقتضای حال اراده میکند (معالم البلاغه، رجایی: ۲۱؛ در الادب، آق اولی: ۱۶). حتی برخی علم معانی را مرکب یا مرتبط با علومى مانند علم صرف، نحو و لغت و اشتقاق میدانند که موضوع آن شناختن خواص ترکیبات انواع کلام است از این نظر که هر نوع ترکیبی اعم از نظم و نثر یا خطابه متناسب با چه مقام و موقعیتی است. در واقع در علم معانی ترکیبات خبری و انشایی از لحاظ مطابقت آنها با مقامات و موقعیتهای بررسی میشود (معانی و بیان، همایی: ۸۷ و ۸۸).

بطور کلی میتوان گفت وجه تسمیه علم معانی به همین سبب است که از معانی جمله‌ها سخن میگوید اما مقصود از معانی، معانی اولیه و اصلی عبارات نیست بلکه مقصود معانی ثانوی آنها است که شاعر یا نویسنده از طریق بیان آن اغراض را بیان میکند و بطور کلی موضوع علم معانی بررسی همین معانی و اغراض ثانوی است (معانی، شمیسا: ۲۹-۳۲). «إفادته المعانی الثوانی التي هي الأغراض المقصودة للمتکلم» (جواهر البلاغه، هاشمی: ۴۹). همانگونه که ممکن است علم معانی از علوم گوناگونی مانند صرف و نحو و مانند آن متأثر باشد متقابلاً یافته‌ها و دستاوردهای منتج از بررسی اغراض ثانوی ساختهای کلام و جمله‌های خبری و انشایی میتواند در علوم دیگری مانند سبک‌شناسی و مباحث نقد ادبی و امثال آن بکار گرفته شود.

در سبک‌شناسی دوره‌ای مختلف و تحلیل سبک شخصی هر شاعر، توجه به مباحث علم معانی و مقاصد و اغراضی که در کاربردهای کلامی بکار میرود جایگاه ویژه‌ای دارد مثلاً در دوره‌ای خاصی شاعران بیشتر مفاهیم و مطالب مدّ نظر خود را بصورت صریح و مستقیم بیان میکنند و در برخی دوره‌ها بیشتر مقاصد خود را پوشیده و غیر مستقیم مطرح میکنند و صرفاً با تأمل در ژرف ساخت این جملات میتوان به مقصود آنها پی برد یا در دوره‌ای خاصی یا در شعر برخی شاعران بسامد یک نوع از جملات خبری و انشایی بیشتر است (معانی، شمیسا: ۳۴). این ویژگیها میتواند به نوعی از شاخصهای سبک‌شناسانه یک شاعر یا دوره خاص بشمار

آید. البته باید توجه داشت که چه بسا جمله‌های خبری اغلب در مقاصدی جز خبر دادن و اطلاع‌رسانی بکار می‌رود (نگاهی تازه به معنی‌شناسی، ر. پالمر: ۶۸).

نوع مقاصد ثانوی بکار رفته در خبرهای اشعار هر دوره و تنوع و سیر تحول آنها در مقایسه با وضعیت این گونه جملات در شعر دوره‌ای دیگر نیز میتواند از ویژگیهای سبکی خاص در هر دوره و وجه تمایز آن با دوره‌ای بعدی تلقی شود.

در این پژوهش مقاصد ثانوی جملات خبری در منتخبی از شعر شاعران دوره‌ای موسوم به خراسانی و عراقی بررسی شده است سپس بر اساس مقاصد ثانوی موجود در این اشعار، تحلیلی از سیر این اغراض در آن دوره ارائه شده است. در انتها با مقایسه وضعیت مقاصد ثانوی در این دو دوره سعی شده فضای کلی مقاصد ثانوی جملات خبری از آغاز سبک خراسانی تا پایان دوره عراقی ترسیم شود. در این پژوهش از بین قالبهای شعری هر دوره سعی شده است قالب رایج در آن دوره انتخاب شود و اغراض ثانوی جملات خبری در آن قالب شعری خاص مدنظر قرار گیرد. از دوره نخستین شعر فارسی قالب قصیده برای بررسی انتخاب شده است زیرا دوره نخستین شعر فارسی از قرن سوم تا قرن پنجم قالب رایج قصیده است و بیشترین ابیاتی که از شاعران این دوران، بخصوص شاعران سده‌های سوم و چهارم باقی مانده است در این قالب سروده شده است و کهنترین قصیده‌ای نیز که بصورت کامل باقی مانده است قصیده «مادر می» رودکی است (سبک‌شناسی شعر پارسی، غلامرضایی: ۵۷). در قرن پنجم نیز اگرچه اکثر قالبهای شعری بکار نمی‌رود اما این قرن را میتوان دوران رواج قالب قصیده دانست به نحوی که این قالب شعری در این قرن تکامل مییابد و اغلب شاعران اشعاری در این قالب سروده اند (همان: ۷۵).

دوران رواج قصیده تا سالهای نخستین قرن ششم نیز ادامه مییابد اما همین قرن دوران پایان قصیده سرایی نیز بشمار می‌آید و کم‌کم شاعران با تغییر فضای کلی شعر و پایان دوران مدیحه سرایی و سرودن اشعار درباری قالب قصیده نیز بتدریج از رونق افتاد و شاعران برای بیان مطالب و مضامین خود قالب غزل را برگزیدند (همان: ۹۹-۱۰۱). بنابراین در این پژوهش، مقاصد ثانوی جملات خبری در غزلهای شاعران سبک عراقی بررسی شده است. چون در حقیقت قالب غزل بطور رسمی از این زمان به عنوان یک قالب مستقل وارد شعر فارسی میشود، از بین شعرهای شاعران این دوره غزلهای آنها مورد توجه قرار گرفته است، که نخستین تجربیات غزلسرایی در زبان فارسی و نقطه آغازی است برای بهترین و والاترین غزلهای فارسی در سروده‌های بزرگانی چون عطار، کمال اسماعیل، سعدی، حافظ و ...

البته در این دو دوره (در طول قرنهای سوم تا دهم) در قالب مثنوی نیز آثار برجسته‌ای خلق شده است اما به دو سبب این قالب شعری در این پژوهش برای بررسی مقاصد ثانوی جمله‌های خبری انتخاب نشد یکی آن که اشعار در قالب مثنوی بیشتر حالت روایی دارد و

مطالب آن با محوریت یک موضوع خاص مطرح میشود و کمتر فضای بافت موقعیتی عصر شاعر یا عواطف و احساسات او در آن منعکس میشود دیگر آن که با وجود مثنویهای متعدد در این دوراها، بررسی اشعار شاعران در دوره موسوم به سبک خراسانی نشان میدهد که قالب قصیده از دیگر اقسام شعر رواج بیشتری دارد و در دوره سبک عراقی نیز قالب غزل غلبه دارد و مفاهیم و مضامین شعری متعدد و متنوعی در این قالب سروده میشود. در این پژوهش از بین قصیده سرایان سبک خراسانی مقاصد ثانوی جمله‌های خبری در اشعار رودکی، عنصری، ناصر خسرو، امیرمعزی و مسعود سعد بررسی شده است و از شاعران سبک عراقی اشعار سنایی، عطار، مولوی، سعدی، حافظ، جامی.

بیان مسأله

با تأمل در مقاصد ثانوی جمله‌های خبری در سیر تحول دوره‌ای گوناگون سبک‌شناسی شعر فارسی سعی شده است به این سؤالات پاسخ داده شود که آیا همزمان با تغییر این سبکها و دوره‌های گوناگون شعر فارسی مقاصد ثانوی خبر نیز متغیر است؟ آیا میتوان نشانه‌های تحول در دوره‌های شعر فارسی را در اغراض پرکاربرد در جمله‌های خبری در آغاز و پایان هر دوره نیز مشاهده کرد؟ آیا نوع نگرش و رویکرد شاعران در دوره‌های مختلف و شرایط زندگی و محیطی زمان آنها در اغراض ثانوی جمله‌های آنها نیز مؤثر است؟ آیا میزان کاربرد اغراض ثانوی گوناگون جمله‌های خبری با توجه به ویژگیهای خاص هر دوره، در دوره‌های مختلف متفاوت است؟ آیا اغراض رایج مشترک در دوره‌های گوناگون از نظر کیفیت، محتوا و نوع کاربرد متحول شده است؟

پیشینه تحقیق

تاکنون پژوهشهای بسیاری در زمینه بررسی مقاصد ثانوی یا منظورشناسی جمله‌های خبری و اقسام جمله‌های انشایی در شعر شاعران مختلف انجام گرفته است. همه این قبیل پژوهشها بصورت محدود و موردی بر روی شعر یک شاعر و حتی یکی از اشعار آنها نوشته شده است اما تا کنون سیر کاربرد جمله‌ها و نحوه تحول و تغییر مقاصد ثانوی آنها در دوره‌ای گوناگون شعر فارسی بررسی نشده است. در این پژوهش با پرداختن به این مسأله سیر تحول مضامین شعری در جمله‌های خبری در دوره‌ای خراسانی و عراقی بررسی و تحلیل شده است.

وضعیت مقاصد ثانوی خبر در شعر دوره خراسانی

قدیمیترین اشعار زبان فارسی که باقی مانده است اشعاری است متعلق به اواخر دوره طاهریان و دوره صفاریان اما این ابیات اندک و بسیار ساده و ابتدایی است (سبک‌شناسی شعر پارسی، غلامرضایی: ۵۲). به لحاظ آن که «رودکی نخستین شاعر بزرگ و پر شعر فارسی دری است» (همان: ۶۲) و پدر شعر فارسی نامیده میشود نقطه آغاز خوبی برای بررسی روند مقاصد ثانوی خبر به نظر رسید، زیرا میتوان شعر او را «نمونه کامل شعر سبک خراسانی قرن

۴ یعنی شعر عهد سامانی دانست» (سبک‌شناسی شعر، شمیسا: ۲۶). و حتی بنابر اعتقاد برخی سبک‌شناسان «بررسی همه جانبه اشعار بازمانده رودکی به لحاظ تشبیه و استعاره و کنایه و لغت و ... جهت بررسیهای سبکی شاعران بعد از او ضرورت تمام دارد» (همان، ۲۸). همانگونه که پیشتر ذکر شد به سبب آنکه از میان قالبهای شعری در این دوره قالب قصیده رواج بیشتری دارد بنابراین از میان شاعران این عصر، تعدادی از قصیده سرایان این عصر به عنوان نمونه برای بررسی مقاصد ثانوی برگزیده شده است.

در شعرهای سالهای نخستین این دوره، جمله‌های خبری بیشتر برای مدح و ستایش و تعظیم و بزرگداشت افراد بکار میرود. در چنین جمله‌هایی دیگر مقصود از بیان جمله‌های خبری اطلاع‌رسانی و خبردادن نیست بلکه مقصود مدح و ستایش ممدوح و گاه بیان عظمت و بزرگی اوست. اینگونه اغراض در شعر اغلب شاعران این دوره بسیار پرکاربرد است اما در شعر شاعرانی چون عنصری و امیر معزی که از شاعران مداح این دوره بشمار می‌آیند این رویکرد فضای غالب اشعار آنها را شامل میشود به نحوی که حتی گاهی قصایدشان از ابتدا با مدح آغاز میشود و بسیاری از قصاید آنها مقتضب است و تشبیب ندارد (همان: ۴۴). در قصاید چنین شاعرانی کمتر میتوان برای جمله‌های خبری مقاصد ثانوی متنوعی در نظر گرفت و صرفاً در موارد اندکی مظاهر طبیعت را توصیف میکنند. البته جمله خبری به صرف خبری بودنش، برای خبر دادن و اطلاع‌رسانی بکار میرود اما گاهی به مناسبت حال و مقام، هدف اصلی آن مدّ نظر نیست و به هر صورت مثلاً از دلاوری و شجاعت کسی یا صفات نیک او به خود او خبر دادن یا بیان صفات نیک و بعضاً خارق العاده‌ای در قالب جملات خبری و نسبت دادن آن به یک شخص قطعاً، به قصد آگاه کردن او از داشتن چنین صفاتی نیست. میتوان گفت در چنین اشعاری که صرفاً برای مدح و ستایش سروده میشود هدف دیگری نیز ورای این خبرها نهفته است و آن قصد طلب صله و پاداش از ممدوح صاحب جاه و مکنت است. حتی در شعر برخی از این شاعران امثال معزی مدحگویی چنان غلبه دارد که دیگر مقاصد ثانوی مطرح شده در جمله‌های خبریش تحت الشعاع همین مدح گویی اش قرار گرفته است و حتی وقتی اظهار شادی میکند از وصال ممدوح یا معشوق است و وقتی اظهار اندوه میکند از فراق اوست یا سعی دارد دیگران را به خدمت کردن به او تشویق و ترغیب کند و یا از دشمنی با او برحذر دارد و گویی محور شعر او، مدح است و سایر مسائل، همه حول این محور نقش مییابند. البته در شعر برخی از شاعران دوره خراسانی این مدح و ستایشها رویکردی متفاوت دارد ناصر خسرو از معروفترین قصیده پردازان سبک خراسانی بشمار می‌آید که اگر به تعظیم و یا ستایش کسی میپردازد آن شخص یکی از بزرگان دین یا مذهب اسماعیلیه است، مثل نمونه‌هایی که در مدح و ستایش و تعظیم حضرت علی(ع) می‌آورد. گویی این شاعر مذهبی که شعرش اغلب در خدمت دین و مذهب است، حتی اگر به تعظیم و بزرگداشت شخصی و یا

مدح و ستایش کسی می‌پردازد آن هم در راستای همین هدف است و بیشتر پیامبر یا خاندان او یا بزرگان اسماعیلیه را می‌ستاید.

از اغراض دیگری که در خبرهای شاعران این دوره پرکاربرد است اظهار غم و اندوه یا انبساط و شادی است. این اغراض گاهی در سخن شاعرانی چون رودکی نمایان می‌شود که با غم و اندوه از پیری خود گله و شکایت میکند و اندوه و حسرت خود را از فرا رسیدن پیری اظهار میکند و گاهی نیز شاعرانی مانند امیر معزی و مسعود سعد از شادی و نشاط خود سخن می‌گویند البته همانگونه که پیشتر اشاره شد به سبب غلبه مدح‌گویی حتی شادی و نشاط آنها نیز زمانی است که ممدوح به آنها توجه و عنایت دارد.

البته در این دوران شاعری چون ناصر خسرو وجود دارد که در شعر خود بیشتر در صدد تبیین مباحث مذهبی است و میتوان شعر او را شعر مذهبی - ادبی دانست (سبک‌شناسی شعر، شمیسا: ۶۳). هر چند به سبب آنکه وی از مبلغان فرقه اسماعیلیه بوده است در شعر او نسبت به شاعران دیگر بسامد جمله‌های پرسشی بیشتر از است اما جمله‌های خبری او نیز در همین راستا است و غرض ثانوی اغلب آنها هشدار دادن و تحذیر است. در فضای این سبک که اکثراً شاعران به مدح و ثنای بزرگان می‌پردازند، ناصر خسرو فضای جدیدی در شعر آغاز میکند و در اغلب ابیاتش به ارشاد و هدایت مخاطب و توبیخ و ملامت او از صفات نکوهیده می‌پردازد. در واقع وی بیشتر شعر خویش را وقف بیان حکمت و تبلیغ مذهب اسماعیلیه کرده است.

بسامد مقاصد ثانوی جمله‌های خبری در شعر شاعران سبک خراسانی

در شعر رودکی: مدح و ستایش یا تعظیم و بزرگداشت (۴۲)، بیان تأثر و اندوه و حسرت (۳۳)، بیان بشارت و اظهار انبساط و شادی (۱۳)، بیان عظمت و بزرگی چیزی (۸)، بیان تعجب (۷)، هشدار یا توبیخ و ملامت (۵)، تحقیر (۵)، مفاخره (۴)، بیان تمنی و آرزو (۲)، اظهار ضعف و ناتوانی (۱).

در شعر عنصری: بیان عظمت و بزرگی یا تعظیم و مدح و ستایش (۷۰)، تعجب (۹)، مفاخره (۱)، هشدار و تحذیر (۱).

در شعر معزی: تعظیم و بزرگداشت یا مدح و ستایش (۱۴۱)، بیان بشارت و اظهار انبساط و شادی (۱۰)، هشدار و تحذیر (۹)، استرحام و مهرجویی (۶)، ترغیب و تشویق (۴)، خبر برای ادعا کردن (۴)، اظهار تأثر و اندوه (۲).

در شعر ناصر خسرو: هشدار و تحذیر (یا ارشاد و هدایت) (۲۵)، توبیخ و ملامت (۲۵)، تعظیم و بزرگداشت یا مدح و ستایش (۱۰)، اظهار غم و اندوه و استرحام (۹)، مفاخره (۸)، تحقیر (۴)، ترغیب و تشویق (۲).

در شعر مسعود سعد: مدح و ستایش یا تعظیم و بزرگداشت (۶۹)، اظهار ضعف و ناتوانی و استرحام (۲)، اظهار حسرت و تأثر و غم و اندوه (۲۰)، هشدار و تحذیر (۱۰)، تحقیر (۷)، بیان

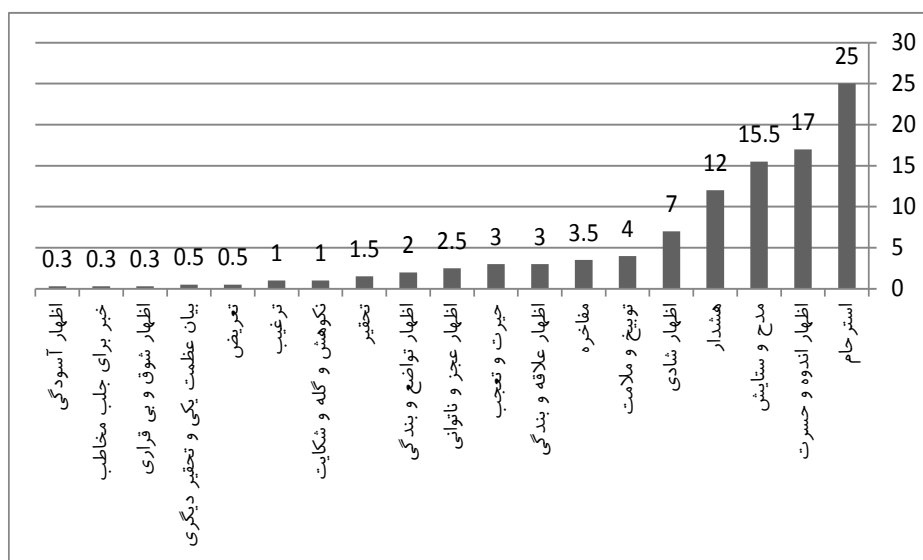
بشارت و اظهار انبساط و شادی (۵)، مفاخره (۴)، بیان شدت و سختی امری (۴)، مژده بر وقوع امری مهم (۲).

تحلیل سیر مقاصد ثانوی خبر در دوره خراسانی

بطور کلی در شعر این دوره چنان که پیشتر بیان شد قالب قصیده رواج دارد و اکثر شاعران نیز در تغزلهای آغاز قصاید عمدتاً به بیان وصف طبیعت و ذکر دوران شباب خود پرداخته‌اند و به نظر می‌آید منظور اغلب این اوصاف (تغزل و تشبیه‌های) مقدمه قصاید، صرفاً خبر دادن از آمدن بهار و رویش گلها و یا توصیف صحنه‌های طبیعت و یا پرندگان و حیوانات نیست؛ بلکه شاعران اغلب مقاصد دیگری از آوردن این جمله‌های خبری دارند. البته اگر چه در نظر گرفتن معنی ثانوی برای اینگونه خبرها چندان ساده نیست اما بطور قطع میتوان گفت غرض از بیان آنها نیز خبررسانی ابتدایی و صرف نیست.

مطلب مهم و قابل توجه دیگر این که حتی در مدحهای شاعران مداح این دوره نیز به وفور جمله‌های خبری دیده میشود که در مدح یک شخص یا شهر است اما مقاصد ثانویی در ورای آنها به نظر میرسد. اینکه ویژگیهای یک شخص را در قالب مدح گویی برای او بازگو کنند یا صفات مثبتی را به او نسبت دهند، نمیتواند خبر واقعی و اطلاع رسانی به مخاطب باشد؛ بلکه توجه به فضای طرح آن مدح و رابطه و نسبتی که بین آن شاعر مداح و آن ممدوح وجود داشته، خود بیانگر و نشان دهنده قصد ثانوی است که ورای ظاهر جملات خبری این اشعار نهفته است.

از مطالب دیگری که در قصاید این دوره جلب توجه میکند این است که برخی از شاعران



این دوره که اکثراً نیز به مدح گویی پرداخته اند گاه قصاید خود را بدون تغزل و تشبیب و مستقیماً با مدح ممدوح آغاز میکنند، مثل بسیاری از قصاید عنصری یا معری که با گشودن دیوانشان و مطالعه قصایدشان به وضوح میتوان این مسأله را دریافت.

همانگونه که در نمودار شماره یک مشخص است موضوع دیگری که در شعر شاعران این دوره قابل توجه است، عدم تنوع مقاصد ثانوی است که میتوان برای جمله‌های خبری در شعرهای این دوره، به خصوص اوایل این سبک در نظر گرفت، به نحوی که در شعر شاعرانی چون عنصری و معری به حدی مدح و ستایش پر رنگ است که محور اصلی مضامین آنها شده است و سایر مقاصد ثانوی خبر نیز که میتوان برای شعر ایشان در نظر گرفت تحت الشعاع آن مدحها قرار میگیرد و به نوعی با آنها در ارتباط است.

هر چه به اواخر سبک خراسانی و سبک بینین سلجوقی (بین دو سبک خراسانی و عراقی) نزدیکتر میشویم، افزایش معانی ثانوی خبر و تنوع این معانی ثانوی بیشتر میشود. به عنوان نمونه در بررسی جمله‌های خبری در شعر مسعود سعد سلمان که از شاعران سبک عهد سلجوقی است، تحول و تغییر در مقاصد ثانوی خبر، مشخص و ملموس است. و این خود یکی از نشانه‌های تغییر سبک و آغاز یک سبک جدید در عرصه شعر فارسی است.

همانگونه که در نمودار شماره یک نیز مشخص است در دوره موسوم به خراسانی جمله‌های خبری بیشتر در مقاصد ثانوی زیر بکار رفته است که به ترتیب فراوانی عبارتست از: ۱- مدح و ستایش یا تعظیم و بزرگداشت، ۲- هشدار، ۳- حسرت، ۴- اظهار شادی، ۵- توبیخ و ملامت، ۶- اظهار ضعف و ناتوانی، ۷- اظهار غم و اندوه و استرحام، ۸- مفاخره، ۹- تحقیر، ۱۰- تعجب، ۱۱- بیان عظمت و بزرگی چیزی، ۱۲- ترغیب و تشویق، ۱۳- بیان شدت و سختی امری، ۱۴- ادعا کردن، ۱۵- تمنی و آرزو، ۱۶- مژده دادن.

وضعیت مقاصد ثانوی خبر در شعر دوره عراقی

در قرن ششم بتدریج فضای مفاهیم شعری متحول میشود و با خروج شعر از دربار دیگر به موازات و متناسب با آن قالب غزل نیز جایگزین قالب قصیده میشود (سبک‌شناسی شعر پارسی، غلامرضایی: ۱۰۰ و ۱۰۱). در این دوره نیز مدح و ستایش بیشترین غرض بکار رفته در شعر است. هر چند در این دوره نیز شاعرانی که در ارتباط با دربارها و خاندانهای معروف هستند مدیحه‌سرایی میکنند اما رویکرد غالب بین شاعران این دوره مداحی امرا و صاحبان قدرت و ثروت نیست و گرچه غرض پرکاربرد مدح و ستایش است اما ماهیت این ستایشگری کاملاً با دوره قبل متفاوت است.

آنگونه که در آمارهای ارائه شده خاص هر شاعر (که در ادامه ذکر میشود) نیز مشخص است مقاصد ثانوی جملات خبری بیشتر در زمینه توصیف معشوق و یا مدح و ستایش و تعظیم و بزرگداشت اوست که جایگزین پادشاهان و بزرگان مدح شده در سبک خراسانی است و

موصوفی است که وصف او جایگزین توصیف عناصر طبیعت در شعر شاعران سبک خراسانی شد. در واقع بیشتر ممدوح غزل، معشوق است و اغلب فرد خاصی نیز نام برده نمیشود و شاعر مانند شاعران سبک خراسانی مدّاح پادشاه، وزیر یا یک صاحب جاه و مقام نیست و مدحش در واقع نوعی وصف صفات و ویژگیهای معشوق است. حتی در شعر برخی از شاعران این دوره همه مقاصد در جمله‌های خبری حول محور معشوق، توصیف او و جلب توجه او شکل میگیرد مثلاً در شعر عطار از آنجا که معشوق، مقام والایی یافته است، اغلب قصد شاعر تحریک حسّ ترحم معشوق و مهرجویی از اوست و اگر معشوق را میستاید نیز به نوعی میخواهد توجه او را جلب کند.

معشوق در غزل این دوره گاهی مانند غزل مولوی همان معبود است و اگر حتی معشوق زمینی هم باشد صفاتی برای او ذکر میشود که او را آسمانی میکند، اما در شعر برخی از شاعران مانند سعدی، اکثراً معشوق زمینی است و برای اوصاف زمینی برشمرده میشود. البته فضای غزل سعدی، فضای شاد و پر نشاط است که در آن اغلب به دنبال جلب توجه مهر و محبت معشوق است و اگر از ضعف و ناتوانی یا عجز خود سخن میگوید اینها همه در برابر معشوق و برای استرحام است. حتی مدح و ستایش او از معشوق به شیوه شعرهای سبک خراسانی نیست و بسیار زیبا و با تشبیهات و استعاره‌های جذابی معشوق را توصیف میکند یا در مدح و بزرگداشت او سخن میگوید.

در چنین فضایی که اغلب مفاهیم شعری و اغراض جمله‌ها بر محوریت عشق به معشوق بیان میشود حتی گاهی هشدار و تحذیرها، سرزنش و توبیخها نیز در همین راستا مطرح میشود مثلاً در غزل سعدی جایی که کلام او مفهوم هشدار و تحذیر دارد، در واقع شاعر به مخاطب خود هشدار میدهد که باید در راه عشق از چه صفاتی مبرا و به چه صفاتی متخلّق باشد و سرزنش و توبیخ او نیز متوجه انسان محروم از عشق است. در میانه این دوره غزلیات مولوی ویژگیهایی کاملاً متفاوت دارد و اوج غزل عرفانی بشمار می‌آید (سبک‌شناسی شعر، شمیسا: ۲۲۶) غزل او نوعی تعلیم اخلاق و عرفان است و شاعر میکوشد نکاتی را به مخاطب خود تذکر بدهد و عشق حق را بر هر مقام و منصبی ارجح میدانند. معشوق در غزل مولانا، حتی شبیه معشوق سایر غزل‌های سبک عراقی چون عطار و سعدی و حافظ نیست؛ بلکه معشوق و محبوب او کاملاً والا و پاک توصیف میشود و اگرچه در غزل‌های سایرین ممکن است که صفات بشری برای معشوق بیان شود و یا حتی معشوق زمینی توصیف گردد، اما در غزلیات شمس، مدح و توصیف معشوق کاملاً متفاوت است و سخن از معشوقی است که والا و برتر است و به ندرت توصیف صفات ظاهری برای محبوب در این غزل‌ها دیده میشود. گاهی ابیات غزل‌هایش مفهوم بیان اضطراب و بیتابی را دربردارد و این علاوه بر محتوای جملات، ممکن است در وزن ابیات نیز تأثیر گذاشته باشد. در واقع شعر مولوی، شعری عرفانی از نوع حماسی است (همان،

ص ۲۳۱). گاه وزن و قافیه و ردیف بکار رفته در غزلها در القای معنی خاصی، مثلاً در القای مفهوم شادی یا غم یا اضطراب و بیتابی، تأثیر میگذارد.

تفاوت غزل مولوی با سایر غزلسرایان سبک عراقی در مقاصد ثانوی جملات او نیز مشهود است. مولوی در شعرش میکوشد مخاطب را به برگزیدن راهی درست که در نظر او راه عشق است و کنار گذاشتن تعلقات و وابستگیهای دنیایی و پرورش روح و جان هشدار بدهد و از پرداختن به دنیا و جسم برحذر دارد، و گاه حیرت و تعجب خود را از مقام والایی که انسان میتواند کسب کند از زبان ملائکه بیان میکند و به مدح و ستایش معشوق ازلی و ابدی میپردازد. حتی آنجا که علاقه خود به شمس را اظهار میدارد آن را در راستای عشق به حق توصیف میکند.

گاهی مولوی به این برتری شعرش و جاودانه بودنش افتخار میکند و علت آن را از دل برخاستن اشعارش میداند. اظهار غم و اندوه یا شادی و نشاطش از فراق یا وصال محبوب است، حتی بیقراری و اضطرابش از همین مسائل نشأت میگیرد. موضوعی که از لحن کلام مولوی در غزلیات فهمیده میشود، این است که در ورای مطالبی که مطرح میکند حالت ارشادی و پیر و مراد بودنش معلوم است و تقریباً احساس میشود که این غزلیات را همانند داستانهای مثنوی در جمع یارانش و برای ارشاد ایشان و هشدار دادن به آنها بیان کرده و حالات خود را در این ابیات منعکس میکرده است. شاید به همین دلیل نام شمس را بر غزلیاتش گذاشته تا خودش مطرح نباشد و در واقع از زبان پیر و مرادش شمس، مریدانش را هدایت کند.

غزل حافظ نیز شرایطی متفاوت از دیگر غزلسرایان این عهد دارد. در واقع او را باید شاعری سیاسی و مبارز دانست که با زبان ایهام و به شیوه طنز مسائل اجتماعی دوره خود را بیان میکند به همین سبب شعر او پر از اشاره‌های تاریخی به اوضاع و احوال عصر اوست. (سبک‌شناسی شعر، شمیسا: ۲۴۳) همین مطالب باعث شده است که او در کلام خود از تعریض استفاده کند و این که حافظ با ریاکاران زمان خویش در هر قشری به مبارزه برخاسته است، باعث شده زبان طنز و تعریض و کنایه در کلامش بسیار بکار برود. این ویژگی در معانی ثانوی جملات خبری او نیز دیده شد به نحوی که کنار هر قصدی که در سخنش نهفته است، تعریض هم در ورای آن وجود دارد.

در غزلهای حافظ نیز مانند دیگر غزلسرایان سبک عراقی، تقریباً معانی ثانوی خبرهایش حول محور عشق و معشوق شکل میگیرد، اما تفاوت غزلش با دیگر غزلها، در نوع معشوق اوست که گاه معبود است و حافظ از موضع عفو و فروتنی یا اظهار عجز در برابر او، با او سخن میگوید و اگر در جملاتش مفهوم استرحام دیده میشود، تقریباً در بسیاری از شواهد این استرحام، طلب رحمت و عفو از درگاه خداوند است.

آنجا که حافظ خطاب به زاهدان ریایی یا زهد فروشان سخن میگوید زبانش با تعریض همراه

میشود و اینجاست که در کنار هر مقصد ثانوی باید تعریض را هم در نظر گرفت. حتی آنجا که تفاخر میکنند گاه قصدش تعریض به دیگران است. یا جایی که از دور شدن خویش از زهد و پارسایی اندوه و حسرت میخورد، قصدش از اظهار اندوه، اشاره و تعریضی است به دیگران. فضای غلبه موضوعات با محوریت عشق در مقاصد ثانوی خبر تا اواخر این دوره نیز همچنان ادامه دارد و در غزل جامی که از شاعران اواخر سبک عراقی بشمار می‌آید نیز همین شرایط دیده میشود. در غزل‌های جامی نیز مانند غزل‌های سعدی و حافظ فضای حاکم به گونه‌ای است که گویی محور غزل او معشوق است و در اکثر جملات خبریاش به نحوی سخن میگوید که حس ترحم و مهر و محبت معشوق را نسبت به خود تحریک کند. گاهی از علاقه و اشتیاق شدید خود به معشوق سخن میگوید و در برابر او اظهار تواضع و فروتنی میکند و حتی درصدد تحقیر خود و شعر خویش در بارگاه معشوق برمی‌آید و جایی که صحبت از مقایسه خود با معشوق است خود را بسیار حقیر میداند، اما در عین حال گاه به شعر خویش میبالد.

بسامد مقاصد ثانوی جمله‌های خبری در شعر شاعران سبک عراقی

در شعر سنایی: مدح و ستایش یا توصیف معشوق (۶۰)، استرحام (۳۵)، اظهار حسرت و غم و اندوه (۲۲)، هشدار و تذییر (۱۱)، اظهار علاقه و تواضع و بندگی (۱۰)، بشارت و اظهار انبساط و شادی (۶)، مفاخره (۲)، توبیخ و ملامت (۴)، ذم و نکوهش یا گله و شکایت (۳).

در شعر عطار: استرحام و مهرجویی (۴۴)، اظهار حسرت و غم و اندوه (۲۸)، پند و اندرز یا هشدار و تذییر (۲۱)، مدح و ستایش یا بیان عظمت و بزرگی (۱۸)، اظهار تعجب و حیرت (۹)، اظهار شادی و نشاط (۱)، اظهار علاقه و تواضع و بندگی (۴)، توبیخ و ملامت (۱)، تحقیر (۱)، گله و شکایت (۳)، مفاخره (۱)، خبر برای جلب مخاطب (۳).

در شعر مولوی: هشدار و تذییر (۲۱)، حیرت و تعجب (۱۸)، استرحام (۱۷)، اظهار عجز و ناتوانی (۱۰)، مدح و ستایش یا بیان عظمت و بزرگی (۹)، مفاخره (۷)، اظهار تأثر و غم و اندوه (۴)، اظهار شادی و نشاط (۴)، اظهار بیقراری و اضطراب و شوق (۳)، ملامت و توبیخ (۳)، مقایسه و بیان عظمت یکی و تحقیر دیگری (۳)، ترغیب و تشویق (۱).

در شعر سعدی: استرحام و مهرجویی (۵۴)، مدح و ستایش (۲۱)، هشدار و تذییر (۱۷)، توبیخ و ملامت (۱۴)، اظهار عجز و ناتوانی (۸)، اظهار تأثر و غم و اندوه (۴)، اظهار شادی و نشاط (۳)، تحقیر (۳)، مفاخره (۴)، اظهار آسودگی و بیان اختتام کار (۲).

در شعر حافظ: استرحام (۳۲)، اظهار تأثر و غم و اندوه (۲۶)، هشدار و تذییر (۲۴)، بشارت و اظهار انبساط و شادی (۱۹)، مفاخره (۱۵)، مدح و ستایش یا تعظیم و بزرگداشت (۱۲)، گله و شکایت (۷)، اظهار عجز و ناتوانی و تسلیم (۶)، تعجب و حیرت (۵)، تعریض (۴)، ارشاد و ترغیب و تشویق (۳)، اظهار عشق و علاقه و بندگی (۲)،

در شعر جامی: استرحام (۴۹)، مدح و ستایش و تعظیم و بزرگداشت (۳۲)، بیان بشارت و

اظهار شادی و نشاط (۲۱)، اظهار تأثر و غم و اندوه (۲۰)، اظهار عشق و علاقه (۱۳)، هشدار و تحذیر (۱۳)، تحقیر (۵)، توبیخ و ملامت (۴)، مفاخره (۳)، تعریض (۲)، بیان تفاوت و مراتب (۲)، بیان تعجب و حیرت (۱).

تحلیل سیر مقاصد ثانوی خبر در دوره عراقی

بطور کلی میتوان گفت در ابتدای این سبک، هنوز غزلها رنگ و بوی تغزل دارد و ابتدایی و ساده است تا آنجا که حتی قرن ششم را میتوان همچنان قرن قصیده دانست، بلکه بزرگترین قصیده پردازان ادب فارسی را در همین قرن جستجو کرد (رک. سبک‌شناسی شعر، شمیسا: ۲۲۳). اما مطلب مهمی که نشانه‌های آن در شعر شاعران اواخر سبک خراسانی چون مسعود سعد نمایان شده بود و در شعر این دوره باید مدنظر قرار گیرد این نکته است که شاعران در کنار و گاهی به جای مدح، به بیان عواطف و احساسات شخصی خود پرداخته‌اند (همان). از این رو همانگونه که ملاحظه شد اکثر مقاصد ثانوی جملات خبری در آنها به مدح و ستایش با بیان عظمت و بزرگی یک شخص مربوط میشود مفهومی که در بین شاعران سبک خراسانی، همانگونه که ملاحظه شد، مفهومی غالب بود اما ممدوح این غزلهای ساده، معشوقی است که اغلب از او نامی برده نمیشود و ستایشها و مدحها نیز در واقع وصف صفات ظاهر و باطن معشوق است که به نظر میرسد شاعران علاوه بر اینکه قصدشان مدح و ستایش معشوق و جلب نظر و توجه او بوده گویی خود نیز از ذکر صفات معشوق لذت میبردند و گویی شاعر عواطف و احساسات خود را نسبت به آن فرد بیان میدارد. پس مفهوم مدح و ستایش در غزلهای سبک عراقی با مفهوم مدح و ستایش در قصاید سبک خراسانی متفاوت است و غزلهای این شاعران در وصف معشوق است نه مدح بزرگان.

در واقع از قرن ششم که شاعران کم کم به غزل توجه کردند، به جای مدح ممدوح به مدح معشوق و به جای توصیف طبیعت به بیان عواطف و احساسات خود پرداختند. غزل قرن ششم بطور کلی غزل حد واسط است یعنی نه خامی غزل های تغزل گونه قرون قبل را دارد و نه آن پختگی غزل قرنهای هفت و هشت را (همان، ص ۲۱۱ و ۲۱۰) و شاید بهتر باشد به جای اصطلاح «مدح و ستایش» درباره این قصد ثانوی اصطلاح «توصیف معشوق» بکار برده شود یا اصطلاح «ذکر اوصاف معشوق برای ابراز عشق و علاقه» یا «ذکر معشوق برای التذاذ» در غزلهای این سبک نیز همه مقاصد خبر تحتالشعاع همین ذکر و توصیف یا مدح معشوق تعریف میشود مثلاً اگر از جمله‌های قصد اظهار حسرت و غم و اندوه برداشت شود اغلب غم و اندوه ناشی از دوری و هجران یا بی توجهی معشوق است. و یا اظهار بشارت و شادی از عنایت معشوق یا وصال او.

آنگونه که از تأمل در مفاهیم شعری مشخص میشود گاهی عرفان که از این دوره بطور گسترده در ادبیات ما وارد شد به وضوح خود را نشان میدهد مثلاً شاعر از کنار گذاشتن منیت

و نفس خود و رسیدن به معنویات ابراز شادی و نشاط میکند یا از گرفتار شدن به مادیات و نفسانیات هشدار میدهد و افراد را بر حذر میدارد.

اما از قرن هفتم به بعد قصیده به شدت نسبت به قالب غزل رونق کمتری داشت و بطور کلی مفاهیم و فضای اشعار دگرگون شد. و سعدی نخستین کسی بود که این تغییر را بصورت جدی مطرح کرد (سبک‌شناسی شعر، شمیسا: ۲۲۳).

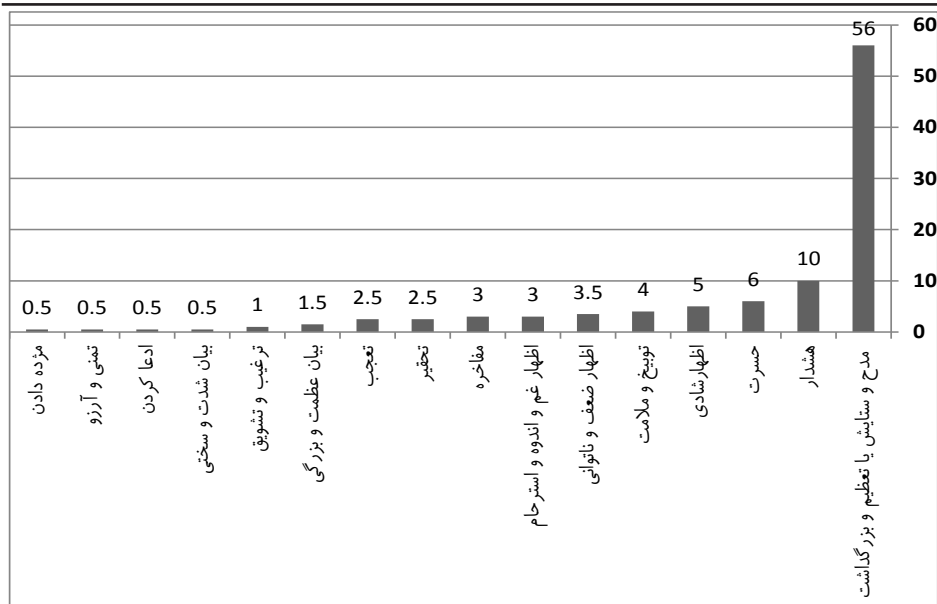
شعر عرفانی قرن ششم را هم باید مانند شعر دوره سلجوقی شعر بینابین دانست و همانگونه که شعر عهد سلجوقی به شعر سبک عراقی میانجامد، شعر عرفانی بینابین نیز در قرن هفتم به شعر عرفانی کامل تبدیل میشود (همان، ۲۰۲). این موضوع در معنی و مفهوم شعرهای این دوره ظهوری بارز دارد و نشانه‌های آن در معانی ثانوی انواع جملات به وضوح دیده میشود.

مطلب دیگری که در شعر، شاعران این دوره حائز اهمیت است اینکه بر خلاف شاعران دوره‌ای قبل که در رقابت با دیگر شاعران درباری یا همعصر خود معمولاً از استعدادها و هنرهای خود به شیوه مفاخره صحبت میکردند. اما شاعران این عصر کمتر بیان مفاخره کرده اند و شاید این به سبب حالت خاص عارفانه و صوفیانه شاعران است. البته احتمال دارد این امر به حکومتهای زمان بستگی داشته باشد زیرا در دوران سبک خراسانی حکومتهای مقتدر شاعران را تحت حمایت خود میگرفتند و به آنها در قبال شعرش صله و پاداش میدادند اما در دوره سبک عراقی، دیگر هم به علت نبودن حکومتهای مرکزی منسجم و تاخت و تازهایی که به ایران شد و روی آوردن شاعران به عرفان و تصوف دیگر انگیزه‌ای برای تفاخر کردن برای آنها نمیماند ضمن اینکه روحیه صوفی گری و عارف منش آنها مانع از سخن گفتن از خود و تفاخر آنها میشود و تفاخرشان نیز بخاطر برخورداری از عشق و عرفان است.

در شعر این دوره معشوق یا ممدوح دیگر یک فرد ثروتمند و قدرتمند نیست بلکه معشوق مقامی والا دارد و منظور محبوب و معشوق یگانه است اگر چه قصد معشوق زمینی است اما با صفاتی از همین معشوق نیز یاد میشود که مقامش بسیار والا در نظر می‌آید. به همین سبب به نظر میرسد اکثراً شاعران این دوره در جملات خبری خود به دنبال مهرجویی و استرحام هستند و اگر به توصیف معشوق میپردازند قصدش جلب توجه او و برانگیختن حس ترحم او نسبت به خود است.

ذکر عجز و ناتوانی در غزل سبک عراقی آنچنان که اغلب در سبک خراسانی مطرح میشد به سبب ضعف توان جسمانی و احياناً پیری نیست بلکه عجز و ناتوانی از صبر بر فراق معشوق یا صبر بر جفای اوست و یا رهایی از دام عشق خود را عاجز و ناتوان میبینند.

در سیر این سبک به غزل حافظ که میرسیم جنبه اجتماعی شعر این دوره قوت میگیرد و طنز اجتماعی حافظ فضای جدیدی را در این سبک ایجاد میکند که در کنار ذکر می و معشوق از یک طرف و سخن از عرفان و حالات معنوی از طرف دیگر، مضمون جدیدی در



نمودار ۲

شعر این دوره به نظر میرسد گرچه شعر شاعران پیش از او نیز از این مضامین خالی نیست ولی تعریضهای حافظ و طنزهایی که او در خطاب به زاهدان ربایی و شیخ و صوفی در غزل خود دارد به نظر متفاوت از سایرین است.

هرچه به اواخر سبک عراقی نزدیک میشویم تغییراتی در آن احساس میشود که گویی غزل عراقی از اوج خود سیر نزولی پیدا میکند. مثلاً با بررسی غزلهای شاعری چون جامی، مشخص میشود که سروده‌های زیبایی او مثنویهای اوست نه غزلیاتش و گاهی در شعر او نشانه‌هایی از تغییر این سبک و ایجاد روشی جدید احساس میشود.

در شواهد اندکی تصویرها و تمثیلهایی که در سبک هندی رواج مییابد در شعر شاعران اواخر سبک عراقی چون شعر جامی دیده میشود. در مجموع غزل جامی به زیبایی غزلهای شاعران بزرگ سبک عراقی مانند سعدی و حافظ نیست.

در نگاهی کلی به سیر معانی ثانوی در غزلهای این سبک از غزلهای اولیه در شعر سنایی تا آخرین غزلهای این دوره در شعر جامی نکته‌های که قابل توجه به نظر میرسد بسامد انواع مختلف مقاصد ثانوی است که از شعر این شاعران فهمیده میشود.

در غزل سنایی که هنوز تا اندازهای شکل تغزلهای قصاید سبک خراسانی را دارد از میان مقاصد ثانوی جملات خبری غزلش توصیف و مدح و ستایش معشوق و تعظیم و بزرگداشت او نسبت به سایر مقاصد بسامد بالاتری دارد. شاید این موضوع تحت تأثیر فضای مداحی حاکم بر قصاید سبک خراسانی باشد اما وقتی به دوران اوج و کمال سبک عراقی یعنی قرن

۷ میرسیم تغییر عمده ای در این روند پیدا میشود و بصورتی که در غزل‌های سعدی و حافظ مقصد ثانوی که در جملات خبری آنها بسامد بالاتری دارد استرحام و مهرجویی است که این خود نشان دهنده فضای حاکم بر شعر و اندیشه شاعران این دوره است. معشوق مقامی بسیار والا مییابد و گاه جای خود را به معبود میدهد و شاعران در قالب بیان عواطف و احساسات خود بیشتر رنج و غم و اندوه خود را از فراق و دوری معشوق بیان میکنند و خواستار جلب توجه و طرح او هستند.

این روحیه و فضا در شعر جامی هم ادامه پیدا میکند و بسامد مقصد ثانوی استرحام در جملات خبری او به نسبت سایر مقاصد از همه بالاتر است با این تفاوت که دیگر غزل جامی زیبایی و استواری غزل‌های شاهکار سبک عراقی را ندارد.

بطور کلی چنان که در نمودار شماره دو نیز نشان داده شده است در شعر غزلسرایان دوره عراقی جمله‌های خبری بیشتر در مقاصد ثانوی زیر بکار رفته است که به ترتیب فراوانی عبارتست از: ۱- استرحام و تقاضا و طلب، ۲- اظهار اندوه و حسرت، ۳- مدح و ستایش، ۴- هشدار، ۵- اظهار شادی، ۶- توبیخ و ملامت، ۷- مفاخره، ۸- اظهار علاقه و ارادت، ۹- حیرت و تعجب، ۱۰- اظهار عجز و ناتوانی، ۱۱- اظهار تواضع و بندگی، ۱۲- تحقیر، ۱۳- نکوهش و اعتراض، ۱۴- ترغیب، ۱۵- تعریض، ۱۶- بیان عظمت یکی و تحقیر دیگری، ۱۷- اظهار شوق و بی قراری، ۱۸- خبر برای جلب مخاطب، ۱۹- اظهار آسودگی.

نتیجه‌گیری

بررسی برگزیده‌های از شعر برخی از شاعران سبکهای اصلی زبان فارسی و مکتبهای بین بین در عرصه ادبیات، فارسی مشخص میسازد که در سبک خراسانی که اغلب شاعران قصیده پرداز هستند و عمدتاً به وصف طبیعت یا پرندگان و حیوانات و مدح ممدوح میپردازند، مقاصد ثانوی خبر تنوع چندانی ندارد و مدح و ستایش محور اصلی تمام این مقاصد است و سایر موارد به نحوی با مدح ممدوح مرتبط است. مثلاً شادی و نشاط شاعر به واسطه عنایتی است که ممدوح به او داشته و بسامد این معنی ثانوی در اغلب شعرهای این دوره از سایر مقاصد بیشتر است یا حتی اگر شاعر قصدش از بیان جمله خبری اظهار تعجب است این حیرت ناشی از مثلاً توصیف روی و موی ممدوح یا عطا و بخشش بسیار او یا مواردی مشابه است و اوج این وضعیت را در شعر عنصری و معزی میتوان دید تا جایی که گاه قصاید چنین شاعرانی حتی فاقد تغزل و تشبیب است و بدون مقدمه با مدح و ستایش ممدوح آغاز میشود.

در مجموع محور اصلی مضامین شعری این دوره مدح و ستایش یا تعظیم و بزرگداشت معشوق است و تقریباً سایر مقاصد ثانوی خبر نیز تحت الشعاع این مسأله قرار دارد. البته در

اواخر این دوره نشانه‌های تغییر سبک در مقاصد ثانوی جملات نیز نمایان میشود و باعث تنوع بیشتر این مقاصد در شعر شاعرانی چون مسعود سعد میشود که البته از شاعران عهد سلجوقی است.

در بررسی نخستین شاعرانی که جزء شاعران سبک عراقی بشمار می‌آید تغییر مقاصد ثانوی خبر نسبت به سبک خراسانی کاملاً محسوس است. عمده ترین تغییر، تبدیل ممدوح قصاید سبک خراسانی به معشوق در شعر سبک عراقی است که شاعران ضمن توصیف و مدح و ستایش و بزرگداشت او گویی از ذکر صفات او لذت می‌برند. در غزل‌های این سبک سایر مقاصد خبر تحت تأثیر توصیف یا مدح معشوق قرار دارد.

نشانه‌های اندیشه‌های صوفیانه و عارفانه کم کم در شعر این دوره و بخصوص در غزل آشکار میشود و تحت تأثیر همین فضا، معانی ثانوی خبر نیز دچار تغییراتی میشود. همانگونه که پیشتر بیان شد، مثلاً در بیان تفاخر شاعران سبک عراقی کمتر به استعداد شاعری و هنرهای خود مفاخره میکنند و روحیه عارفانه حاکم بر غزل این دوره مانع تفاخر شاعران میشود و غالباً تفاخرشان به خاطر بهرهمند شدن از عشق و عرفان است.

نکته دیگر اینکه در شعر این دوره معشوق دیگر فرد ثروتمند یا قدرتمند نیست بلکه معشوقی است که حتی اگر زمینی باشد مقامی بسیار والا دارد.

اظهار عجز از سر ضعف و پیری برای استرحام از ممدوح نیز به اظهار عجز و ناتوانی از صبر بر فراق معشوق برای طلب مهر و محبت او تبدیل میشود. چنانکه مقصد ثانوی غالب در سبک خراسانی و اوایل سبک عراقی که مدح و ستایش ممدوح یا معشوق است در قرن هفتم تغییر عمده‌ای پیدا میکند. بصورتی که در این دوره بالاترین بسامد در میان مقاصد ثانوی خبر متعلق به استرحام و مهرجویی است و اینکه شاعر اغلب در پی اظهار غم و اندوه و حسرت خویش از فراق معشوق است البته برای جلب مهر و محبت او.

بطور کلی بررسی سیر مقاصد ثانوی خبر از آغاز سبک خراسانی تا پایان سبک عراقی نشان میدهد که در هر زمانی شرایط سیاسی و اجتماعی حاکم بر جامعه و نحوه زندگی شاعران و طرز تفکر و جهانبینی آنها، همه در مضامین شعرشان تأثیر گذاشته است و به تبع مضامین، مقاصد ثانوی جملات نیز در هر دوره‌ای از این عوامل متأثر شده است.

منابع

- ۱- انوارالبلاغه، مازندرانی، محمد هادی بن محمدصالح (۱۳۷۶) به کوشش: محمدعلی غلامی نژاد، چاپ اول، تهران: دفتر نشر میراث مکتوب و مرکز فرهنگی نشر قبله.
- ۲- تاریخ و ادبیات در ایران، صفا، ذبیح الله (۱۳۸۳) تهران: فردوس، چ ششم. (جلدهای

متعدد)

- ۳- التلخیص، خطیب قزوینی، جلال الدین (۱۳۵۰هـ). الطبعة الثانية، بیروت: دارالفکر.
- ۴- جواهرالبلاغه، هاشمی، احمد (۱۴۲۵هـ.ق-۱۳۸۳هـ.ش)، چاپ اول، قم: انتشارات اسماعیلیان
- ۵- دررالادب، آق اولی، حسام الدین (۱۳۴۰) شیراز: کتابفروشی معرفت.
- ۶- دیوان قصاید و ترجیعات و غزلیات، عطار نیشابوری، فریدالدین (۱۳۶۲) به اهتمام تقی تفضلی، تهران: علمی و فرهنگی.
- ۷- دیوان کامل، جامی، عبدالرحمن (۱۳۴۱) ویراسته هاشم رضی، تهران: پیروز.
- ۸- دیوان، حافظ شیرازی، خواجه شمس الدین محمد (۱۳۶۹) به اهتمام محمد قزوینی وقاسم غنی، تهران: زوآر.
- ۹- دیوان، سنایی غزنوی، ابومجد مجدود (۱۳۸۰) به کوشش مدرس رضوی، تهران: سنایی، چ پنجم.
- ۱۰- دیوان، عنصری بلخی، ابوالقاسم حسن (۱۳۶۳) به کوشش محمد دبیر سیاقی، تهران: سنایی.
- ۱۱- دیوان، مسعود سعد سلمان (۱۳۶۶) به اهتمام و تصحیح مهدی نوریان، اصفهان: کمال. (۲ جلد)
- ۱۲- دیوان، ناصر خسرو قبادیانی، (۱۳۷۰) تصحیح مجتبی مینوی ومهدی محقق، تهران: دانشگاه تهران، چ چهارم.
- ۱۳- سبک‌شناسی شعر، شمیسا، سیروس (۱۳۷۶) تهران: فردوس، چ سوم.
- ۱۴- سبک‌شناسی شعر پارسی از رودکی تا شاملو، غلامرضایی، محمد (۱۳۹۱) تهران: جامی، چ چهارم.
- ۱۵- کلیات دیوان، رودکی سمرقندی، ابوعبدالله جعفر (۱۳۷۳) براساس نسخه سعید نفیسی، زیر نظری. براگینسکی، تهران: نگاه.
- ۱۶- کلیات دیوان، معزی نیشابوری، ابوعبداله محمد (۱۳۸۵) تصحیح و تعلیقات محمد قنبری، تهران: زوآر.
- ۱۷- کلیات شمس تبریزی، مولوی، جلال الدین محمد (۱۳۷۶) مطابق با نسخه فروزانفر، تهران: بهزاد.
- ۱۸- کلیات، سعدی شیرازی، شیخ مصلح الدین (۱۳۶۶) تصحیح محمد علی فروغی، تهران: ققنوس.
- ۱۹- المطول، تفتازانی، سعدالدین (۱۴۲۵هـ) الطبعة الأولى، بیروت: دارالحیاه التراث العربی.
- ۲۰- معالم البلاغه، رجایی، محمد خلیل. (۱۳۵۳) شیراز: دانشگاه شیراز. چاپ دوم.

- ۲۱- معانی و بیان، همایی، جلال الدین. (۱۳۷۳). یادداشت‌های استاد علامه جلال الدین همایی، به کوشش ماهدخت بانو همایی، چاپ دوم، تهران: مؤسسه نشر هما.
- ۲۲- معانی، شمیسا، سیروس (۱۳۸۶) تهران: میترا، چ نخست از ویرایش دوم.
- ۲۳- مفتاح العلوم، سکاکی، ابی یعقوب (۱۳۵۶ه) الطبعه الأولى، مصر: مطبعه مصطفى البابي الحلبي و اولاده.
- ۲۴- نگاهی تازه به معنیشناسی، ر.پالمر، فرانک (۱۳۸۵) ترجمه کورش صفوی، تهران: مرکز، کتاب ماد، چ چهارم.
- ۲۵- هنجار گفتار، تقوی، سید نصراله (۱۳۶۳) چاپ دوم، اصفهان: فرهنگسرای اصفهان.